

بررسی علل و انگیزه سرقت در نوجوانان و جوانان

این مقاله برگرفته از پژوهشی است که با بودجه اداره کل زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی استان کرمان انجام شده است. این تحقیق از نوع توصیفی - تبیینی بوده و جامعه آماری آن تمام نوجوانان و جوانان شهر کرمان بوده اند که دست به ارتکاب سرقت زده و دستگیر شده اند.

دکتر محمد حسن مقدس جعفری

دکترای جامعه شناسی

پول صفوری

فوق لیسانس جمعیت شناسی از دانشگاه شیراز

اشاره

سرقت از با سابقه ترین جرایم بشری است که در جوامع مختلف به شیوه های گوناگون دیده می شود در ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی آمده است: سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی. در ایران نیز دولت به دلیل مشکلات موجود و عدم توجه به جوانان و خواسته هایشان، آنها را در بن بست قرار داده که نسل جوان خروج از آن را به علت نبود وسایل تفریحی و آموزشی در روی آوردن به انحرافات اجتماعی جستجو می کنند. وجود بی عدالتی اجتماعی، ناهماهنگی در ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه، رشد باورهای غیراسلامی و رایج شدن خودخواهی و خودپسندی ها و حسارت های کورکورانه و رقابت های ناسالم نیز به این بن بست ها دامن زده و عواملی را بوجود آورده که زمینه را برای ارتکاب سرقت از سوی جوانان آماده ساخته و در آنها بدبینی، سرخوردگی و ناامیدی ایجاد کرده است.

با استفاده از نظریه های جامعه شناختی، بی سازمانی اجتماعی، خرده فرهنگی، کنش متقابل اجتماعی، فرهنگ طبقه پایین میلر، بزهکاری و تضاد طبقاتی، انتخاب عقلانی و تفسیرهای موقعیتی، جرم، کنترل های شخصیتی، برچسب زنی، یادگیری اجتماعی و همنشینی افتراقی متغیرهای حمایت مالی والدین، وضعیت اشتغال فرد قبل از دستگیری، تحصیلات فرد، تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی خانواده، محل سکونت فرد، میزان بهره مندی از تفریحات و سرگرمی نظارت والدین، آگاهی از عواقب سرقت، تمایل به خرده فرهنگ گروه همسالان، گسیختگی خانوادگی، ثبات اعتقادات مذهبی خانواده مورد بررسی قرار گرفتند و تمام فرضیات تحقیق پذیرفته شدند. اما فرضیه رابطه بین گسیختگی خانوادگی بر رفتار و انگیزه سرقت رد شد.

واژگان کلیدی: سرقت انگیزه، جوانان، نوجوانان، کرمان

◆ مقدمه

سرقت یک پدیده منحصر به عصر جدید نیست و واقعیت این است که متجاوزین به اموال از روش های غیر قانونی برای سلب مالکیت و ثروت مادی دیگران به نفع خود استفاده می کنند. سرقت یا دزدی یکی از شایع ترین نابهنجاری ها و جرایم مهم پرتعداد است و معمولاً توسط افراد باهوش و زیرک صورت می گیرد و حتی سارقین حرفه ای با طرح و نقشه قبلی و گاهی با استفاده از اقداماتی مانند بازدید از محل سرقت، کنترل، مراقبت و شناسایی و بررسی موانع احتمالی دست به این جرم می زنند.

سرقت جوانان و نوجوانان با سرقت بزرگسالان تفاوت هایی دارد. از آنجا که کشور ما در سال های ۶۵-۱۳۵۵ دارای نرخ رشد ۳/۹ درصد بوده است (با احتساب مهاجرین) تمام کسانی که در آن دهه متولد شده اند اکنون در سن جوانی می باشند. بنابراین واضح است که رشد بی رویه جمعیت در سال های قبل منجر به جوانی جمعیت در کشور ما شده است و یکی از عواقب جوانی جمعیت بالا رفتن میزان جرایم توسط این گروه سنی می باشد. انگیزه سرقت منازل در کودکی با سرقت های بانندی در بزرگسالی کاملاً متفاوت است. اگرچه ممکن است شوگردهای سرقت تغییر نکند، لیکن از سرقت های خود هدف های متفاوتی دنبال می کند. نیازهای جوانی احساسات، عواطف و هیجان های آنان با نیازهای میان سالی فرق دارد. بدون تردید علاوه بر عوامل مهم کلی و کلان که در زیرساخت ها و نهادهای اجتماعی ما وجود دارند که منجر به ارتکاب به جرم و سرقت در جوانان و نوجوانان می شوند، عواملی هم در رابطه با جوانان و نوجوانان مجرم وجود دارد که توجه به آنان می تواند در جلوگیری از افزایش میزان جرم توسط این گروه های سنی موثر باشد.

همچنین درمیان عوامل اجتماعی فاکتورهایی از قبیل جنگ و بحران های سیاسی و شرایط خاص زمانی، عوامل اقتصادی شامل تورم، گرانی، فقر و نیازهای اولیه، نیازهای رفاه طلبانه، نیازهای کاذب و نیازهای مقطعی برای مداوای بیماری، فقر فرهنگی، بی سواد و کم سواد، تن پروری، بی عدالتی اجتماعی که باعث ایجاد ناامیدی در جامعه شده و منجر به گرفتن امکاناتی از طبقه مجرم شده اند سیاست پولی کردن دانشگاه ها و... در وقوع سرقت موثر است.

◆ مروری بر مباحث نظری

به منظور بررسی نظری تحقیق، تلفیقی از نظریه های جامعه شناختی، بی سازمانی اجتماعی، کنش متقابل، خرده فرهنگی، فرهنگ طبقه پایین میلر، بزهکاری و تضاد طبقاتی، انتخاب عقلانی و تفسیرهای موقعیت جرم، کنترل های شخصی، برجسب زنی یادگیری اجتماعی و هم نشینی افتراقی استفاده شده است. در نظریه های گوناگون مطرح شده هر نظریه پرداز، با دیدگاهی خاص به بررسی انحرافات اجتماعی پرداخته و به نتایج خاص از نگرش خود رسیده است.

ماهیت انحرافات اجتماعی در نظریه های بی سازمانی اجتماعی تخطی از قواعد، قوانین و هنجارهای اجتماعی است، به این معنی که هنجارهای اجتماعی جنبه مطلوب خود را برای فرد از دست می دهد و فرد نمی تواند جهت رفتار خویش را تعیین کند. نظریه های تضاد نظیر مارکسیسم و نومارکسیسم بر این باورند که قوانین از تضادها پدید می آیند و به وسیله گروه های در قدرت به عنوان ابزار کنترل آن هایی که صاحب قدرت نیستند عمل می کنند. نظریه های خرده فرهنگی، بزهکاری جوانان را بر حسب ویژگی های خرده فرهنگی آنان مانند ارزش ها، زبان، عادات و شیوه های زندگی بررسی کرده اند. پیش فرض اساسی در نظریه های خرده فرهنگی این است که جوانان طبقات پایین جامعه خواهان ارزش های طبقه متوسط هستند اما از آن جا که فرصت دست یابی به این ارزش ها برایشان مهیا نیست، در نتیجه آن ها دار و دسته بزهکار را به وجود می آورند تا از این طریق اعتراض خود را به جامعه ای که بر اساس ارزش های طبقه متوسط شکل گرفته نشان دهند (احمدی ۱۳۸۴، ۲۳).

نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش فرض استوار است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه باید همه افراد کنترل شوند.

این نظریه هم چنین رفتار انحرافی را عمومی و جهان شمول دانسته و آن را نتیجه کارکرد ضعیف ساز و کارهای اجتماعی و کنترل های شخصی و درونی می داند. بنابراین بزهکاری و جرم، از یک سو محصول عوامل فردی کنترل نظیر خودپنداره منفی، روان پریشی و اعتماد به نفس پایین است و از سوی دیگر نظام های ناقص کنترل اجتماعی و فقدان تقید نسبت به نهادهای بنیادین اجتماعی مانند خانواده و مدرسه به رفتار انحرافی منتهی می شود. در تبیین انحرافات اجتماعی اندیشمندان نظریه کنترل بر عوامل کنترل شخصی و درونی و عوامل کنترل اجتماعی تاکید نموده اند (رید ۲۰۰۰، ۱۵۵). بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرآیند رابطه با افراد دیگر به خصوص در گروه های کوچک آموخته می شود (رید ۲۰۰۰، ۱۵۷).

همچنین در تحلیل دیگری می توان این نکته را یاد آور شد که از سویی والدین چون به دنیای جدید تعلق ندارند و از آموزش های تخصصی و حرفه ای و تعلیم و تربیت

بی بهره اند نمی توانند الگوهای جامعه پذیری فرزند خود باشند و از دیگر سوی فرزندان در میان گروه های دوستی و همسالان کم کم تجربیات جدید و نیز الگوهای جدید جمعی زیستن را کسب و شکست تحصیلی را در همان سال های اولیه تحصیل تجربه و کم کم ترک تحصیل می کنند و به دلیل ارائه ویژگی های رفتاری خاص جدا از ویژگی هایی که ممکن است مطلوب خانواده باشد با خانواده رو در رو قرار می گیرند و این امر به تنبیه شدید منجر می شود (شیخاوندی ۱۳۷۹، ۷۶).

را به عنوان جزیی از رفتار خود کاملاً درونی می کند. در چنین مرحله ای فرد یک سارق حرفه ای است (پارسونز ۱۹۴۲). فشارهای خارجی نظیر فقر، بیکاری، شرایط زندگی، تبعیض نژادی، قومیت، خرده فرهنگ ها و جذابیت رسانه های گروهی می تواند در کنترل افراد در گرایش به رفتار بزهکارانه و مجرمانه موثر واقع شوند. فشارهای درونی مانند تنش ها، لذت جویی های آنی، بی کفایتی، ترس ها و ضایعات مغزی نیز در این زمینه موثرند (بست ۱۳۷۹، ۵۴).

◆ مدل علی فرضی تحقیق

<ul style="list-style-type: none"> - حمایت مالی والدین - وضعیت اشتغال فرد قبل از دستگیری - تحصیلات فرد - تحصیلات والدین - وضعیت اقتصادی خانواده - محل سکونت فرد - میزان بهره مندی از تفریحات و سرگرمی - نظارت والدین - گسیختگی خانوادگی - ثبات اعتقادات مذهبی خانواده 	انگیزه سرقت
---	-------------

نوجوانان فرار از منزل را نیز تجربه و فرصت پیدا می کنند تا با الگوهای افراد منحرف آشنا شوند. همان افراد منحرفی که احتمالاً در بین اعضای خانواده، دوستان و یا هم محله ها تعدادشان کم نیست. اگر فردی از نوجوانی به افراد هنجار شکن بپیوندد، این مسیر به راحتی قابل بازگشت نخواهد بود و او با عادت به رفتارهای هنجارشکنانه متخصص نیز می شود (سلیمی و داوری ۱۳۸۰).

ابتدا عکس العمل خانواده به هنجارشکنی او تند و پرخاشگرانه (و در برخی موارد سهل انگارانه) است ولی کم کم بی اعتنایی به آنها حاکم می شود و این خود به عنوان عاملی برای رفع محدودیت های اجتماعی عمل می کند. استفاده از مشروبات الکلی و سپس مواد مخدر از چنین

فردی یک منحرف تمام عیار می سازد. فرد در گروه منحرفان به کنش و واکنش می پردازد و ضمن آموزش و حمایت متقابل جوی برای وی فراهم می شود که رفتار انحرافی خود را بروز دهد. در چنین مرحله ای وی دیگر برچسب منحرف را بر خود کاملاً پذیرفته است (احمدی ۱۳۷۷، ۸۴).

در برابر اعمال مجرمانه دیگر منفعل نیست بلکه فعال است برنامه ریزی عقلانی دارد و منتظر فرصت برای هنجارشکنی است. او دیگر تبدیل به یک متخصص هنجارشکنی و سرقت شده است. می داند شب یا روز برای سرقت مناسب تر است. کدام فصل، کدام محله یا منطقه شهر، منازل یا مغازه ها یا جیب کدام شهروند یا کدام وسیله نقلیه مناسب تر است می داند که اموال مسروقه را چگونه و با چه قیمتی و در کدام نقطه به فروش برساند. وی جز نگرانی از قانون و برخی نزدیکان احساس نگرانی از فشارهای اجتماعی دال بر سارق بودن ندارد، چون با عضویت در گروه های سارق سلسله مراتب ارتقا را یکی پس از دیگری می پیماید و به ترتیب فرد باز اجتماعی می شود و ارزش های این گروه ها



مذهبی در آنان و خانواده هایشان همیشه وجود داشته است هرچه نظارت و کنترل والدین بر آنان بیشتر بوده است سرقت در آنان کمتر بوده است.

◆ راهکارهای پیشگیری برای کاهش سرقت

برای کاهش آسیب های اجتماعی و خصوصا سرقت باید مراکز مشاوره بیشتری در جامعه ایجاد شود تا مجرمین را بعد از آزادی از زندان حمایت کنند. ایجاد فرصت های شغلی و رفع محدودیت های اجتماعی از این مجرمین می تواند در کاهش تکرار جرم موثر باشد. همچنین رعایت عوامل زیر در سطوح مختلف می تواند به کاهش سرقت در جامعه کمک کند.

۱- والدین به جای این که به زندان بگویند مواظب باش بهتر است بگویند چگونه باش، باید با زبانی ساده یا مثال هایی قابل فهم معنا و مفهوم دزدی را برای کودک روشن کرد و زشتی عمل را به او نمایند تا دستش به این عمل آلوده نگردد.

۲- کاهش فاصله ارتباطی والدین با فرزندان به طوری که فرزندان خود را به عنوان دوست تلقی کنند.

۳- فراهم آوردن زمینه سالم پرورش شخصیت کودکان و نوجوانان به وسیله مربیان و معلمان به طوری که فرد به گونه ای بار آید که از امور جرم زا بگریزد.

۴- لازم است والدین در صورت مشاهده رفتار انحرافی در فرزندان خود بلافاصله مساله را جدی گرفته زمینه های آن را قبل از این که ریشه بدواند، قطع کنند.

۵- پس از ندامت برای بزهکاری باید شرایطی فراهم شود که احساس تنهایی و بی کسی نکند و عشق به زندگی و نیاز به دوست داشتن در او تقویت شود.

۶- ترجیح دادن پیشگیری بر درمان به منظور حذف زمینه های مساعد برای ابتلای افراد به آسیب های اجتماعی.

۷- استفاده از خدمات تخصصی مراکز مشاوره ناجا که بخشی از آنان عبارتند از:

- رفتار درمانی: تکنیکی است که از طریق آن فرد روش های انطباق با هنجارهای اجتماعی را از گروه می آموزد.

- خدمات مددکاری اجتماعی که با ارجاع و پیگیری مستمر در جهت اشتغال و به کارگیری فرد تلاش می کنند.

- ارائه آموزش های تربیتی خانواده ها برای بالا بردن سطح فرهنگ خانواده ها و پرورش احساس مسئولیت والدین در قبال فرزندان.

منابع در دفتر نشریه موجود می باشد.

پی نوشت ها

۱ Negative self concept

۲ Self-esteem

فشارهای خارجی نظیر فقر،

بیکاری، شرایط زندگی، تبعیض

نژادی، قومیت، خرده فرهنگ ها

و جذابیت رسانه های گروهی می

تواند در کنترل افراد در گرایش به

رفتار بزهکارانه و مجرمانه موثر

واقع شوند. فشارهای درونی مانند

تنش ها، لذت جویی های آنی،

بی کفایتی، ترس ها و ضایعات

مغزی نیز در این زمینه موثرند

◆ یافته ها و نتیجه گیری

با گسترش شهرها و ساکن شدن افراد در شهر و وجود جاذبه های شهری، تراکم جمعیت در شهرها بالا می رود و خرده فرهنگ های مختلف در شهرها به وجود می آید ارزش ها و هنجارهای تنوع می یابد، حاشیه نشینی شایع می شود و به جامعه این گونه القا می شود که تغییر جایگاه و موقعیت قشری افراد و تحرک طبقاتی و دستیابی به رفاه و آرامش و سعادت در گروه دسترسی به پول و ثروت است و آشنایی با گروه همسالان و بعضا افت تحصیلی انگیزه را برای سرقت بیشتر می کند.

از بین فرضیات تعیین شده در تحقیق متغیر نائیر گسیختگی خانوادگی بر رفتار رد شد. زیرا روابط بین فرد پاسخگو و والدینش صمیمانه بوده، همچنین والدین تبعیضی بین پاسخگو و خواهران و برادرانش نمی گذاشتند.

اما متغیرهای حمایت مالی والدین، وضعیت اشتغال فرد قبل از ورود به زندان، میزان تحصیلات فرد، میزان تحصیلات والدین فرد، وضعیت اقتصادی خانواده، محل سکونت فرد، میزان بهره مندی از تفریحات و سرگرمی، نظارت و کنترل والدین، ثبات اعتقادات مذهبی خانواده، آگاهی از عواقب سرقت و تمایل به خرده فرهنگ گروه همسالان پذیرفته و ثابت شد.

در این تحقیق ثابت شد که فرزندان که بیشتر از طرف والدین و خصوصا پدر حمایت مالی می شوند انگیزه سرقت در آنان کمتر بوده است. کسانی که شاغل بوده اند انگیزه سرقت در آنان کمتر بوده است و کسانی که غیرشاغل بوده اند به دلیل این که نیاز مالی بیشتری داشتند انگیزه سرقت در آنان بیشتر بوده است. اکثر کسانی که انگیزه قوی برای سرقت داشته اند زیر خط فقر و از قشر پایین اجتماعی بوده اند زیرا تحصیلات آنان و والدینشان کم بوده است. به دلیل بی سواد و پایین بودن سطح سواد، اکثر آنان از عواقب و محیط زندان آگاه نبوده اند و هرچه میزان آگاهی آنان از عواقب سرقت کمتر بوده انگیزه آنان برای سرقت قوی تر بوده است.

همه پاسخگویان اظهار داشته اند که میزان ثبات اعتقادات